

## چهار استنباط از الهیات مارتین لوتر نویسنده: سینکلر بی. فرگوسن

چطور حاکمیت خداوند، نجات به‌وسیله فیض، عادل شمردگی به‌وسیله ایمان، و زندگی تازه در اتحاد با مسیح، مفهومی برای زیستن به سبک زندگی مسیحی هستند؟ برای مارتین لوتر، آنها چهار استنباط دارند:

اولین استنباط، علم به این مسئله است که فرد معتقد به مسیحیت *simul iustus et peccator* است، یعنی در عین حال که عادل شمرده شده است، گناهکار نیز هست. این اصل، که احتمالاً حاصل تأثیرات کتاب *Theologia Germanica* جان تاولر بر لوتر است، اصلی به‌غایت پایدارکننده بود: درون و از خودم، هر آنچه می‌بینم، گناهکاری است؛ اما وقتی خود را در مسیح می‌بینم، مردی را می‌بینم که عادل شمرده شده است، بوسیله عدالت کامل مسیح. پس چنین مردی می‌تواند به اندازه‌ی عیسی مسیح، در پیشگاه خداوند عادل باشد – زیرا تنها به مدد عدالتی که از آن مسیح است، عادل شمرده شده است. در این جایگاه، در امان هستیم.

دومین استنباط، کشف این مطلب است که خداوند به پدر ما در مسیح تبدیل شده است. ما پذیرفته شده‌ایم. یکی از زیباترین حکایاتی که در *گپ‌های دور میز* لوتر بیان شد، شاید به شکلی معنی‌دار، توسط جان اشلاگینهاوفن، که به نوعی سودازده اما بسیار دوست‌داشتنی بود، به ثبت رسیده است:

خداوند باید با من صمیمی‌تر باشد و دوستانه‌تر نسبت به صحبت‌های کتی من با مارتین کوچولو، با من صحبت کند. نه کتی و نه من نمی‌توانیم عمداً چشم پسرمان را در بیاوریم یا سرش را از تن جدا کنیم. خداوند هم نمی‌تواند. خداوند باید بر ما صبوری کند. او نشانه‌هایی از آن به ما داده است و بنابراین پسرش را به پوست و گوشت ما فرستاده است تا برای رسیدن به بهترین‌ها به او رو کنیم.

سوم، لوتر تأکید می‌کند که زندگی در مسیح لزوماً زندگی زیر صلیب است. اگر با مسیح متحد و یکی شویم، زندگی‌مان از زندگی او الگو می‌گیرد. مسیر کلیسای حقیقی و مسیحی حقیقی نه از خدانشناسی جلال (*theologiagloriae*)، بلکه از خدانشناسی صلیب (*theologiacrucis*) می‌گذرد. تأثیرش بر ما زمانی درونی است که به خویشتن می‌میریم و زمانی بیرونی است که در رنج‌های کلیسا شریک می‌شویم. خدانشناسی صلیب باید بر خدانشناسی قرون وسطایی جلال غالب باشد. لوتر و کالوین، با همه‌ی اختلاف‌هایشان در درک ماهیت دقیق آیین‌های کلیسایی، در این نکته

اتفاق نظر دارند. اگر در مرگ و رستاخیز مسیح با او یکی و در نتیجه به وسیله‌ی غسل تعمید نشان‌دار شویم (همانطور که پولس رسول در کتاب رومیان ۶: ۱-۱۴ تعلیم می‌دهد)، پس کل زندگی مسیحی، به دوش کشیدن صلیب خواهد بود:

صلیب مسیح به اهمیت آن تکه چوبی اشاره ندارد که مسیح به دوش کشید و بعداً به آن میخ شد، بلکه عموماً به همه‌ی مصائب مومنان اشاره می‌کند که رنج و عذابشان همان رنج‌های مسیح است. ۲ قرنتیان ۱: ۵ «به همین قسم تسلی ما نیز به وسیله‌ی مسیح می‌افزاید.»؛ بار دیگر: «الآن از زحمت‌های خود در راه شما شادی می‌کنم و نقصهای زحمات مسیح را در بدن خود به کمال می‌رسانم برای بدن او که کلیسا است» (کلوسیان ۱: ۲۴). بنابراین، صلیب مسیح عموماً همه‌ی آن مصائب کلیسا را نشان می‌دهد که کلیسا به خاطر مسیح متحمل شد.

بنابراین، از نظر لوتر، پیوستن مومن به مسیح در مرگ و رستاخیز مسیح و به انجام رساندن آن در تجربه روزمره به شیشه‌های عینکی تبدیل شد، که فرد مسیحی یاد می‌گیرد از پشت آن به تک تک تجربیات زندگی‌اش نگاه کند. این - *theologi crucis* - همان چیزی است که بینش قوی‌تری نسبت به امور به ما می‌دهد، و ما را قادر می‌سازد تا فراز و نشیب‌های زندگی مسیحی را درک کنیم.

علم به این امور به نفع ما است، مبادا زمانی که دشمنان ما را آزار می‌دهند، تکفیر می‌کنند و می‌کشند، در دام غم افتیم یا دچار نومیدی شویم. اما بیایید با مثال پولس با خود بیاندیشیم که باید به صلیبی که به دوش می‌کشیم افتخار کنیم، نه به خاطر گناهانمان، بلکه به خاطر مسیح. اگر تنها در خودمان رنج‌هایی را که می‌کشیم در نظر بگیریم، می‌بینیم که نه تنها دردناک، بلکه تحمل‌ناپذیر هستند؛ اما زمانی که می‌گوییم: «رنج‌های تو (ای مسیح) در ما فراوان می‌گردد»؛ یا همانطور که در مزمور ۴۴ بیان شده: «هر آینه به خاطر تو تمامی روز کشته می‌شویم»، این مصائب نه تنها آسان، بلکه بنا به این گفته شیرین هم هستند: «زیرا یوغ من خفیف است و بار من سبک.» (انجیل متی ۱۱: ۳۰).

چهارم، اطمینان و لذت از ویژگی‌های زندگی مسیحی است. این مورد یکی از عبارهای اصلاحات است و علت آن نیز قابل درک است. کشف مجدد اصلاحات در ارتباط با عادل شمردگی - اینکه به جای تلاش در جهت رسیدن به امید که آرزومندش باشیم، زندگی مسیحی در حقیقت با همان تلاش آغاز می‌شود - رهایی مدهوش‌کننده‌ای حاصل کرد و ذهن، اراده و عواطف را از لذت

سرشار کرد. معنایش این بود که حالا دیگر فرد می‌توانست با علم به آینده‌ای مطمئن با افتخار، زندگی کردن را شروع کند. به ناچار، چنین آگاهی بر زندگی کنونی وی تأثیر می‌گذاشت و آسودگی و رهایی شدیدی حاصل می‌کرد.

از نظر لوتر، زندگی مسیحی، نوعی زندگی بر پایه انجیل، ساخته‌شده از انجیل، و قوت‌گرفته از انجیل است که فیض مقتدر و آزاد خداوند را نمایش می‌دهد و با قدردانی از آن ناجی که برایمان جان خود را داد تا پایان ادامه می‌یابد، و تا زمانی که مرگ در پیروزی غرق و ایمان به بصیرت تبدیل شود، در یوغ او خواهد بود.

شاید در سال ۱۵۲۲، همانطور که در یکی از یکشنبه‌های کلیسا در برنا، برخی از حضار نشسته بودند، به وعظ لوتر گوش می‌دادند و از خود می‌پرسیدند در دل این انجیل چه چیزی نهفته است که برادر مارتین را تا این حد هیجان‌زده، اگر نگوییم دگرگون، کرده است. آیا ممکن بود برای آنها هم چنین وضعیتی به وجود آید؟ لوتر ذهن آنها را خوانده بود. او در حالی به سکوی خطابه رفته بود که برای پاسخ به سوالات آنها به خوبی خود را آماده کرده بود.

اما انجیل چیست؟ این است که خداوند پسرش را به جهان فرستاد تا گنهکاران را نجات دهد، انجیل یوحنا ۳: ۱۶، و جهنم را در هم بکوبد، بر مرگ چیره شود، گناهان را بزداید و شریعت را اجرا کند. اما شما باید چه کاری انجام دهید؟ هیچ کاری به جز پذیرفتن این مسئله و احترام گذاشتن به ناجی‌تان و اعتقاد راستین به این که او همه‌ی این کارها را به خاطر شما انجام داده است و بدون محدودیت همه چیز به شما می‌دهد تا در وحشت مرگ، گناه و جهنم، بتوانید با خاطر جمع بگویید و شجاعانه به آن اتکا کنید و بگویید: گرچه شریعت را به انجام نرساندم، گرچه گناه هنوز وجود دارد و از مرگ و جهنم می‌ترسم، از انجیل یاد می‌گیرم که مسیح همه‌ی کارهای خود را به من ارزانی داشته است. مطمئنم دروغ نخواهد گفت، به یقین به عهد خود وفا خواهد کرد. و به عنوان نشانه‌ای از آن، غسل تعمید داده شده‌ام.

اطمینان من تکیه بر همین امر دارد. زیرا می‌دانم که مسیح خداوند من به خاطر من بر مرگ، گناه، جهنم و شیطان چیره شده است. زیرا او بی‌گناه بود، طبق گفته‌ی پطرس: «که هیچ گناه نکرد، و مکر در زبانش یافت نشد.» ۱ پطرس ۲: ۲۲. بنابراین گناه و مرگ قادر به کشتن او نبودند، جهنم نمی‌توانست او را نگاه دارد، و او به خداوند آنها تبدیل شده است و آن را به همه‌ی کسانی که بپذیرند و به

آن ایمان داشته باشند عطا کرده است. این همه تحت تأثیر کارها یا شایستگی من قرار نمی‌گیرد، بلکه بواسطه فیض، نیکویی و رحمت خالصانه است.

یک بار لوثر گفت: «اگر می‌توانستم باور کنم خداوند از من عصبانی نیست، برای لذت روی سرم می‌ایستادم.» شاید درست در همان روز، بعضی از کسانی که به وعظ او گوش دادند، عکس‌العمل نشان داده و «اطمینانی» را که از آن سخن گفته بود، تجربه کردند. به جز برخی از شنوندگان کم‌سن‌وسال‌تری که بعداً در نامه‌ای به دوستان خود نوشتند و گفتند که به خانه رفته و برای لذت روی سر خود ایستادند، چه کسی می‌داند؟

دکتر سینکلر بی. فرگوسن، یکی از مدرسین همکار در لیگونیر و استاد ممتاز الهیات نظام‌مند در مدرسه‌ی الهیات اصلاح شده است. ولی پیش‌تر در مقام کشیش ارشد در First Presbyterian Church Columbia, S.C. به خدمت مشغول بوده است و بیش‌از بیست کتاب نوشته که *The Whole Christ, The Holy Spirit, In Christ Alone, Devoted to God*، از جمله آثار وی به‌شمار می‌روند.

این مقاله در وبسایت [سازمان خدمات لیگونیر](https://fa.ligonier.org) منتشر شده است.